

مالیاتهای حکومتی

مشروعیت یا عدم مشروعیت؟



تاریخ دریافت: ۸۱/۱۱/۸

تاریخ تأیید: ۸۷/۷/۲۱

مجید رضایی*

چکیده:

اهمیت مالیاتهای حکومتی در تأمین هزینه‌های دولت و کارکرد ابزار سیاست مالی آن در اقتصاد جدید و کمبود مقدار خمس و زکات با توجه به خروج برخی از موارد زکات و گسترش وظایف دولت، اقتصاد اسلامی را بویژه بر اساس فقه شیعه با مشروعیت وضع مالیاتهای حکومتی مواجه ساخته است. بررسی وظایف دولت در صدر اسلام و مقایسه آن با وظایف دولت امروزی نشانگر رشد وظایف دولت در عصر حاضر بویژه بر اساس دیدگاه دولت رفاه را دارد. محاسبه منابع مالی دولت اسلامی، نشان از کمبود منابع یا مشکلات مبتنی بر آن دارد. این مقاله، ده راه مختلف فقهی را برای مشروعیت وضع مالیاتهای حکومتی بررسی کرده و امکان مشروعیت آن را اثبات می‌کند.

واژگان کلیدی: مالیاتهای حکومتی، مشروعیت، وظایف دولت، خمس، زکات

مقدمه:

مالیاتها همیشه از منابع مالی مهم دولتها بوده و بر حسب نوع دولت و نیاز آن نرخ مالیات تفاوت داشته است. در نظامهای طبقاتی، مالیات توسط برخی طبقات اجتماع (ضعفاء) پرداخت می‌شد و طبقات اشراف زاده و نجبا از پرداخت مالیات معاف بودند. ولی در نظامهای دیگر پرداخت مالیات وظیفه تمامی افراد و به صورتهای مختلف بوده است. امروزه سیستمهای مالیاتی بسیار گسترش یافته و یکی از معیارهای موفقیت دولتها را توان جمع آوری مالیات برای تأمین هزینه‌های دولت می‌دانند. معیارهایی مانند نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی ($\frac{T}{GDP}$)، نسبت مالیات به کل درآمدهای دولت و نسبت مالیات به هزینه‌های دولتی ($\frac{T}{G}$)، بیانگر جایگاه مالیات در اقتصاد کشورها می‌باشد.

علاوه بر مالیات، دیگر منابع مالی دولت، مانند درآمدهای ناشی از فروش خدمات دولتی، درآمد ناشی از نفت و گاز، انحصارات و مالکیت دولت و درآمدهای انتقالی، حق بیمه و سود سرمایه‌گذاری، تأمین‌کننده هزینه‌های دولت است. اما موفقیت اقتصاد دولت بستگی به بالا بودن نسبت سهم مالیات به دیگر منابع دارد. در کشورهای توسعه یافته عمده درآمدهای دولت از مالیات تأمین می‌شود. در حالی که در کشورهای در حال توسعه سهم مالیات مقدار ناچیزی است. (جعفری صمیمی: ص ۲۲-۱۴)

از طرف دیگر در اقتصاد اسلامی، دولت منابع متعدد مالی مانند زکات، خمس، خراج و انفال در اختیار دارد. تعدادی از آنها مشابه مالیات، و برخی متفاوت از آن هستند. زکات و خمس مشابه مالیاتهای ثابت با نرخ معین است و خراج که همان اجاره زمینهای دولتی است، شبیه درآمد ناشی از مالکیت دولتی در جدول حسابداری ملی است. انفال بخش وسیعی از اموال عمومی را شامل می‌شود. معادن، زمینهای موات، دریاها، دره‌ها و کوهپایه‌ها و... از انواع انفال است. دولت می‌تواند موارد انفال را در اختیار افراد قرار دهد و از درآمد آن استفاده کند و یا این که مانند مواد معدنی، آن را بفروشد.

در هر صورت درآمد ناشی از انفال مشابه درآمدهای ناشی از فروش معادن و کالاها و یا درآمد ناشی از انحصارات و مالکیت دولتی می‌باشد. از این رو، گاه تاکید می‌شود که با وجود این منابع مالی نمی‌توان از مشروعیت مالیاتهای حکومتی سخن گفت. به بیان دیگر گفته می‌شود، در اسلام منابع مالی متعددی برای دولت قرار داده شده و از این رو، نیاز دولت به جعل مالیات جدید منتفی است.

دیدگاه مقابل آن نه تنها در صدد اثبات مشروعیت مالیاتهای حکومتی، بلکه در صدد اثبات اولی بودن حکم این نوع مالیاتهاست. صاحبان این نظریه، با توجه به ضرورت وجود دولت اسلامی و عدم امکان بقاء آن بدون مالیات، به دلیل عدم کفایت منابع مذکور یا عدم امکان حصول آن و تغییر منابع مالی ثروت مردم از کشاورزی به صنعت و خدمات، وجود انواع مالیاتهای حکومتی را ضروری می‌دانند.

مباحث فوق، تا حدودی می‌تواند اهمیت اثبات مشروعیت مالیاتهای حکومتی در چارچوب اقتصاد اسلامی یا عدم آن را نشان دهد.

برای تبیین ادله مشروعیت مالیاتهای حکومتی لازم است، اولاً، وضعیت حکومت در صدر اسلام و وظایف و منابع مالی آن مشخص شود و سپس وضعیت دولت اسلامی در اقتصاد امروزی و وظایف و منابع مالی آن بررسی و با مقایسه آن دو لزوم یا عدم لزوم مالیاتهای حکومتی اثبات شود.

دولت اسلامی در صدر اسلام: وظایف و منابع مالی آن

با ورود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه طیبه، سنگ بنای تأسیس دولت اسلامی نهاده شد. دولت ده ساله نبوی و دوران ۲۵ ساله فترت و دولت ۵ ساله علوی مهمترین دوران حکومت اسلامی است. با توجه به سیطره آموزه‌های پیامبر در آن دوران و حساسیت شدید نسبت به تحقق آرمانهای دولت اسلامی، در این چهل سال الگوی مناسبی از دولت اسلامی برای مسلمانان به میراث گذاشته است. گرچه در زمانهای بعد و در طول تاریخ تاکنون جوامع اسلامی بی بهره از فرهنگ اقتصاد اسلامی نبوده و در بخشهای عدیده‌ای بویژه بخش خصوصی، آموزه‌های اسلامی مورد عمل قرار گرفته است (صادقی تهرانی: ۱۲/ صص ۱۷۲-۱۲۵) ولی بهترین دوران از نظر عملکرد بخش عمومی دولت نبوی و علوی است.

بر طبق منابع تاریخی، مهمترین درآمدهای بیت المال: زکات، خمس، جزیه، خراج و انفال است. با توجه به گستردگی درآمدهای حاصل از کشاورزی و دامپروری، وجود غنایم جنگی فراوان، وجود اهل ذمه و اجاره زمینهای مفتوحه کشاورزی و نسبت بالای سهم بخش دولتی، بیت المال در آن زمان توانایی تأمین انواع هزینه‌ها را داشت. حجم این درآمدها در برخی سالها گاه به حدی می‌رسید که دولت توان هزینه کردن آن را نداشت و گاه به علت هزینه‌های اضافی، نیاز به وضع مالیات جدید پیدا می‌شد. (رک: رضایی و

دیگران؛ حسینی: صص ۳۰۶ و ۴۱۸ و ۴۲۰؛ صدر: صص ۱۱۵؛ کف: صص ۳۰۳-۲۷۱) کمبود در آمد در زمان پیامبر گاه باعث استقراض می‌شد، البته غالباً در همان سال از درآمدهای غنائم یا زکات تأمین می‌شد. (کف: صص ۲۸۸-۲۸۹)

در مجموع بر حسب موارد تاریخی، می‌توان ادعا کرد که غیر از خمس، زکات، غنائم، فئ، انفال، جزیه، خراج و عوارض گمرکی درآمدهای مالیاتی عمده‌ای وجود نداشته و موارد مشابه زکات اسب در زمان امیرمؤمنان علیه السلام که به قرائن مختلف از نوع مالیات حکومتی است (المنتظری: ۱۴۱۱: ۴/ ص ۲۸۸) بسیار محدود بوده است، و سیاست استفاده از فروش انفال نیز چندان قابل توجه نبوده است. البته موارد محدودی از اقطاعات پیامبر صلی الله علیه و آله و واگذاری انفال رسیده است که جنبه درآمدزایی برای دولت نداشته و غالباً جنبه توزیع درآمدی داشته است. (ابوعبید: صص ۲۹۷-۲۸۶) در دوره عثمان که بذل و بخشش فراوان رخ داد و اقطاعات فراوان به افراد بی صلاحیت عطا شد، شورشهای اجتماعی را در پی داشت، ولی در زمان دولت علوی این امر محدود شد. در هر صورت از اقطاعات در آمدی نصیب بیت المال نمی‌شده است.

مهمتر از اموال بیت المال، مخارج و هزینه‌هایی است که دولت اسلامی خود را مکلف به تأمین آنها نموده بود. بر حسب متون دینی و با توجه به مصارف خمس و زکات و دیگر منابع مالی، بیت المال، در موارد زیر مصرف می‌شده است. (حکیمی: ۶/ صص ۲۴-۲۹۹-۳۲۰؛ حسینی: صص ۷-۲۲۲)

۱- تأمین نیازهای اساسی اقشار نیازمند: (فقر، مساکین، در راه ماندگان، زندانیان، از کار افتادگان، خانواده‌های بی سرپرست)

۲- تأمین بدهی بدهکاران فقیر، دیه قتل و جنایت کسانی که جانی مشخصی ندارند، جبران خطای قضات.

۳- تأمین هزینه‌های دفاعی، امنیتی، مثل خرید سلاح، حقوق نظامیان، هزینه تجهیزات و استحکامات.

۴- تأمین حقوق کارکنان دولت، قاضیان، مبلغان و معلمان امور دینی، ناظرین بر بازار کار و کالا، مأموران جمع‌آوری زکات و اموال دولتی.

۵- تأمین هزینه‌های فرهنگی و آموزشهای عمومی.

به موارد فوق در متون دینی تصریح شده است. برخی از محققان، عمران و آبادی

بلاد را از وظایف دولت اسلامی می‌دانند. (حکیمی: ۶/ ص ۲۰۰؛ حسینی: صص ۴۲۴) استناد آنان

به نامه امیر مومنان علیه السلام به مالک اشتر است که می‌فرماید: «باید کوشش در آبادی زمین بیش از کوشش در گردآوری خراج باشد، زیرا خراج جز با آبادانی به دست نمی‌آید و آن کس که بخواهد مالیات را بدون عمران و آبادی بطلبد شهرها را خراب و بندگان خدا را نابود می‌کند.» (نهج البلاغه، نامه ۵۲)

برخی دیگر از محققان اقتصاد اسلامی با استفاده از توصیه‌های دین مبین به علم آموزی و تشویق اهل طب و تخصص از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله پیشبرد علوم و فنون را از مصادیق مهم هزینه‌های بیت‌المال دانسته‌اند و با اتکا به گسترش اسلحه سازی و فراگیری ساخت منجنیق و دبابه در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و گسترش فنون شهرسازی پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و ضرب سکه در زمان امیر مؤمنان و وظیفه دولت اسلامی را رشد و توسعه علوم می‌دانند. (صدر: صص ۱۲۵-۱۲۰) ولی به نظر می‌آید این امور جزو وظایف دولت اسلامی نیست.

با دقت در کلام امام به مالک معلوم می‌شود، که حضرت می‌خواهد، در اجرای سیاست مالی و اخذ مالیات به گونه‌ای عمل کند که آبادانی کشور در خطر قرار نگیرد و در زمان سختی و قحطی مالیات اخذ شده به حدی باشد که تولید را نابود نکند. ارفاق مالیاتی و مراعات مشکلات تولید، متفاوت از صرف بیت‌المال در عمران و آبادانی است. مراد حضرت از آبادی شهرها در ابتدای نامه همین امر است. نامه اشاره‌ای به مسؤولیت عمران و آبادی دولت به صورت تصدی ندارد. همچنین دولت وظیفه دارد در امور دفاعی بیت‌المال را صرف کند و گسترش اسلحه سازی و مانند آن لازمه امور دفاعی است و این امر غیر از پیشبرد علوم و فنون در همه زمینه‌هاست. باید توجه داشت که در عصر صدر اسلام اسلحه سازی، پزشکی و مانند آن در اختیار بخش خصوصی بوده و کارگاه تولید اسلحه و محل طبابت دولتی نبوده است. البته دولت بر این امور نظارت داشت و گاه به علت حساسیت امر ساخت اسلحه دولت مجبور به تولید آن می‌شده است. (صدر: صص ۲-۱۲۲ و ۱۵۹)

در مورد سرمایه‌گذاریهای زیر بنایی و مواردی که بخش خصوصی امکان عمل یا انگیزه آن را ندارد، بخش دولتی به ناچار باید اقدام کند. ساخت کانال سوئز در زمان خلیفه دوم، به علت قحطی و خطر مرگ اهل مدینه و لزوم سرعت بخشیدن در امر ارسال کالا بود. شهر کوفه و بصره ابتدا به عنوان پادگان ساخته شد و بعد به تدریج تبدیل به منطقه مسکونی نظامیان و دیگر مردم شد و شهر شکل گرفت. بنابراین صرف بیت‌المال

در این امور جنبه دفاعی و اضطراری داشته است. دولت علوی در ساخت امور زیر بنایی از مردم کمک می‌گرفت. از نمونه‌های آن درخواست گروهی از مردم بهقبازات است که از کارگزار حضرت قرظه بن کعب انصاری درخواست حمایت و کمک مالی در لایروبی نهر کردند. حضرت به او سفارش می‌کند، که بدون آن که کسی را مجبور کند، از آنان بخواهد در انجام لایروبی نهر کمک کنند و اگر چنین کردند نهر در اختیار آنها قرار خواهد گرفت. (محمودی: ۵/ ص ۲۹۵) بنابراین می‌توان مورد دیگری از وظایف دولت را چنین ذکر کرد.

۶- تأمین هزینه انجام امور زیر بنایی مثل ساخت جاده‌ها، سدها، نهرها با کمک مردم در حد مقدور آنها.

دولت در صدر اسلام با وجود منابع گسترده مالی، امور اقتصادی متعددی را در اختیار بخش خصوصی قرار می‌داد. تجارت، صنعت، کشاورزی، همگی توسط مردم انجام می‌گرفت و دولت ضمن نظارت بر آنها مالیات مناسبی به صورت زکات، خمس، عشر و جزیه دریافت می‌کرد و غیر از امور عمومی و دفاعی و تأمین اجتماعی، دیگر بخشها در اختیار مردم بوده است. حتی دولت زمینهای خراجیه را در اختیار مردم قرار می‌داد و از آن اجاره می‌گرفت، نه این که افراد را برای انجام کار بر زمینها استخدام کند. امور مربوط به سکه نیز به علت حساسیت بالای آن مورد توجه بوده است و به علت احتمال مغشوش شدن سکه‌ها و اختلال در امور اقتصادی، دولتها ضرب سکه و کنترل آن را به عهده گرفتند. همچنین به علت نیاز به بهبود وضعیت دفاعی و کیفیت سلاحها صرف هزینه جهت ساخت سلاحهای جدید منجر به رشد علم و انتقال فناوری آن به دیگر بخشها می‌شد. بنابراین می‌توان گفت دولت اسلامی وظایف تصدی امور اقتصادی جز در موارد بالا را ندارد و باید از مردم حمایت کند تا آنها این امور را انجام دهند. گاه پیامبر ﷺ یا امیر مؤمنان به عنوان بخش خصوصی در بازار یا بخش تولید فعالیت می‌کردند و از مزایای فعالیت شخصی بهره می‌بردند. (کلینی: ۵/ ص ۷۵)

همچنین گسترش وقف در مورد امور زیر بنایی، حفر قنات و چاه، ساخت جاده و احداث اماکن عمومی در طول تاریخ نشانگر شرکت اختیاری بخش خصوصی در آن است.

البته دولت اسلامی جنبه نظارتی کامل بر بازار داشته است. پیامبر ﷺ و امیر مومنان ﷺ نظارت بر بازار را وظیفه دولت می‌دانستند. دولت وظیفه دارد از افزایش غیر صحیح قیمتها به واسطه احتکار و کم فروشی و انجام معاملات ربوی و شکل گیری

انحصار جلوگیری نماید. (گیلک، ۱۳۸۰: صص ۴-۲۳۲)

وظیفه اصلی دولت در مسائلی که بر عهده بخش خصوصی است، نظارت و هدایت و کمک به شفاف سازی و جلوگیری از انواع رانت خواری غیر صحیح است.

۷- نظارت بر مجموعه عملکرد بخش خصوصی و کمک به بهبود و رشد و ارتقاء آن. مطالب بالا وظایف دولت را در شرایط عادی بیان می‌کند. البته چنانچه شرایطی رخ دهد که دولت مجبور شود برخی از امور را به صورت تصدی انجام دهد، دولت اسلامی تا رفع اضطرار وظیفه دارد که مشکلات اجتماع را بر طرف نماید.

وظایف دولت امروزی

امروزه وظایف دولت بر حسب نوع دیدگاه نسبت به دولت متفاوت است. در اندازه دولت دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. (رنانی) دولت حداکثری، متوسط، حداقل کلاسیکی سه نمونه کلی آن است. هر چه وظایف دولت، علاوه بر امور عمومی و حاکمیت و دفاعی نسبت به امور اجتماعی و اقتصادی گسترش یابد، ساختار دولت حداقل به سمت دولت سوسیالیستی کامل با برنامه ریزی متمرکز نزدیک می‌شود. امروزه به جهت شکست حاکمیت دولت حداقلی در عرصه عدالت و شکست دولت حداکثری در عرصه کارآیی در اقتصاد، نگرش غالب توجه به اقتصادهای مختلط را فراهم کرده است. پذیرش موارد عدیده شکست بازار (تولید کالاهای عمومی، انحصارهای طبیعی، گسترش اطلاعات، پیامدها و آثار جانبی مثبت و منفی و مانند آن) و قبول کارآیی بازار در موارد گوناگون زمینه قبول اقتصاد مختلط است.

البته وفاق کلی در مورد اهداف اقتصادی، امروزه وجود دارد، اما اختلاف اساسی در انتخاب ابزار مناسب است. برخی حضور مستقیم دولت در اقتصاد را عامل مثبت می‌دانند و برخی بر نقش بازار تکیه می‌کنند. در هر صورت جوامع امروزی طالب تحقق اهداف اجتماعی و اقتصادی متنوعی است و زمامداران نیز به علت گرایش عمومی وظیفه خود می‌دانند که این امور تحقق یابد.

حضور قدرتمند دولت رفاه در اقتصاد سرمایه داری و تحقق اهداف اجتماعی گسترده‌تر از نظامهای سوسیالیستی نشان از اراده جوامع مختلف بر تحقق اهداف اجتماعی اقتصادی است. (ر.ک: تمدن جهانی؛ دادگر: عظیمی)

اگر سامان دهی مسائل مربوط به تأمین اجتماعی (بیمه‌های اجباری، نظامهای

حمایت و مساعدتهای اجتماعی و...) انجام برنامه‌های حوزه شکست بازار، اصلاح مقررات و حمایت از حقوق اجتماعی و تأمین امنیت در تمامی ابعاد، حمایت از تحقیقات و گسترش اطلاعات، اعمال سیاستهای کارآ، مبارزه با انحصارگرایی و بهبود وضع بهداشتی و آموزشی، بر عهده دولت امروزی است و تمامی مردم از دولتهای منتخب خود آن را خواستار هستند، بی شک انجام آن نیازمند تأمین درآمد متناسب است. در قانون اساسی ایران به عنوان یک کشور اسلامی وظایف متعددی بر عهده دولت قرار گرفته است. این وظایف عبارتند از: تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و مانند آن، تأمین اجتماعی جامع افراد، گسترش تحقیقات، تأمین مسکن، آموزش، رفع فقر و تأمین نیازهای اساسی، اشتغال و رشد اقتصادی، حمایت از آزادی اقتصادی و مخالفت با انحصارگرایی و انجام معاملات و فعالیتهای غیر شرعی اقتصادی و تحقق استقلال اقتصادی است. تحقق تمامی این اهداف نیازمند تأمین مالی آن است.

البته قانون اساسی ایران ضمن تأکید بر لزوم پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت رفاه و رفع فقر و محرومیت در تمامی جوانب و تأکید بر لزوم اسلامی بودن قوانین کشور، در اصل ۵۱، به مراکز قانونی کشور اجازه وضع مالیاتهای مختلف را داده است. در ادامه نگاهی به مجموعه درآمدهای شرعی جهت تأمین این وظایف خواهیم داشت و امکان سنجی نیاز به وجود مالیات را بررسی می‌کنیم.

درآمدهای شرعی دولت اسلامی

قبلاً بیان شد که دولت اسلامی درآمدها و ثروتهایی مانند: خمس، زکات، جزیه، خراج و انفال را در اختیار دارد. برای اثبات نیاز به وضع مالیات جدید و یا عدم آن باید مقدار درآمدهای شرعی و سهم آن در تأمین هزینه‌های دولت امروزی محاسبه شود.

۱- زکات به عنوان یکی از مهمترین منابع مالی دولت بر طبق نظر مشهور فقها با درصدهای مختلف از غلات (گندم، جو، خرما، کشمش) و انعام (گاو، گوسفند، شتر) و نقدین (طلا و نقره مسکوک) دریافت می‌شود. اگر نظر مشهور فقها پذیرفته شود و راههای دیگری که به آن اشاره خواهد شد، مطرح نشود، مقدار زکات دچار محدودیتهای زیادی خواهد بود. انعام ثلاثه در صورتی زکات به آن تعلق می‌گیرد که در طول سال از مراتع استفاده کند، ولی امروزه تقریباً تمامی دامها در طول سال از علوفه دستی استفاده کرده و از این رو زکات آن ناچیز است.

بر طبق برآورد مقدار زکات گندم و جو در ده سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ از حدود ۲۱ میلیارد ریال به ۱۹۱ میلیارد ریال و زکات فطره در این مدت از ۲۶ میلیارد ریال به ۱۹۲ میلیارد ریال رسیده است. (کیاه‌الحسینی و باقری: فصل نهم) همچنین با احتساب زکات خرما و کشمش از روش دیگر مجموع زکات از سال ۷۰ تا ۷۹ حداکثر از رقم ۱۰۸ میلیارد ریال به ۷۴۵ میلیارد ریال می‌رسد. در سال ۷۵ مقدار زکات ۴۱۶ میلیارد ریال است. (کیاه‌الحسینی و ملکش: فصل سوم)

مقدار زکات نقدین به علت شرط مسکوک بودن و رایج بودن آن امروزه تقریباً صفر است.

۲- مقدار خمس محاسبه شده در سال ۶۵، حدود ۳۸۴ میلیارد ریال و در سال ۷۵ حدود ۲۶۰۳ میلیارد ریال است (گیلک ۱۳۷۹، فصل چهارم) و مقدار آن بر حسب محاسبه دیگری در طول سالهای ۶۵ تا ۷۵ از رقم ۵۰۰ میلیارد ریال به ۳۷۲۸ میلیارد ریال می‌رسد. (کیاه‌الحسینی و باقری: فصل نهم) در این دو تحقیق محققان مقدار خمس را از طریق حسابهای ملی محاسبه کرده‌اند. آنان در آمد قابل تصرف بخش خصوصی را محاسبه کرده و با کسر هزینه‌های مصرفی بخش خصوصی پایه خمس را بدست آورده و از طریق آن مقدار خمس را بر آورد کرده‌اند. آنان مجموع درآمدهای دولت را قابل خمس ندانسته‌اند. کیاه‌الحسینی بر حسب روابط زیر به پایه خمس رسیده است.

درآمد مشمول خمس بخش خصوصی = درآمدهای دولت - تولید ناخالص ملی

پایه خمس = استهلاک سرمایه ثابت بخش خصوصی - هزینه‌های مصرفی بخش خصوصی - درآمد مشمول خمس بخش خصوصی

مقدار خمس = $\frac{۱}{۵} \times$ پایه خمس

اشکال اساسی این شیوه، عدم لحاظ خمس افراد شاغل در بخش دولتی است. گر چه درآمد دولت به عنوان بخش حقوقی و ته حقیقی و همچنین به عنوان این که دولت محل مصرف خمس است، متعلق خمس قرار نمی‌گیرد، ولی در آمد مجموعه شاغلین در بخش دولتی همانند بخش خصوصی متعلق خمس بوده و باید مجموعه هزینه‌های صرف شده دولتی به عنوان درآمد افراد برای خمس محاسبه شود. هزینه‌های حقوق جزو هزینه‌های جاری دولت است. هزینه‌های جاری دولت شامل حقوق کارکنان و خرید وسایل و ابزار مصرفی، اجاره کردن مکانها، حمل و نقل و غیره است. بر اساس محاسبات اولیه تقریباً ۷۵٪ هزینه‌های جاری دولت متعلق به حقوق کارکنان دولت

می‌باشد. هزینه جاری دولت بین سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ از ۲۴۱۰ میلیارد ریال به ۳۷۸۰۳۷ میلیارد ریال رسیده است.^۳ این مقدار از حدود ۱۸۰۰ میلیارد ریال تا ۲۴۰۰۰ میلیارد ریال می‌رسد و با در نظر گرفتن نرخ مصرف بخش خصوصی و تساوی آن با مصرف شاغلان دولتی که حدود ۷۵٪ است، مقدار پس انداز سالیانه کارکنان بخش دولتی از ۴۵۰ تا ۶۰۰۰ میلیارد می‌رسد و مقدار خمس آن از ۹۰ میلیارد ریال تا ۱۲۰۰ میلیارد ریال می‌رسد. با اضافه کردن این مقدار به خمس محاسبه شده بخش خصوصی کل خمس محاسبه شده از طریق حسابهای کلان در این دهه از ۵۹۰ میلیارد ریال به حدود ۴۹۲۸ میلیارد ریال می‌رسد. مقدار خمس سال ۷۰ حدود ۱۵۵۰ میلیارد ریال می‌باشد.

البته، گیلک و کیا‌الحسینی، خمس را از راه درآمد و هزینه‌های خانوارها با استفاده از آمارهای کلان نیز محاسبه کرده‌اند. طبق برآورد کیا‌الحسینی مقدار آن از سال ۶۵ تا ۷۵ از ۵۲۲ میلیارد ریال به ۴۱۹۲ میلیارد ریال می‌رسد. (کیا‌الحسینی و باقری: ص ۲۵۷) این مقدار بیشتر از محاسبه قبلی ایشان و کمتر از مقدار برآورد شده با احتساب هزینه حقوق شاغلین دولت است.

۳- جزیه امروزه قابلیت عمل ندارد.

۴- خراج که در قدیم مبلغ بسیار زیادی از درآمدهای دولتی را به خود اختصاص می‌داد امروزه رقم کمی دارد. اگر بتوان درآمد حاصل از انحصارات و مالکیت دولت را با خراج شبیه سازی کرد، مقدار آن در سال ۶۵ تا ۷۵ از ۲۲ میلیارد ریال به ۱۹۵ میلیارد ریال برای ایران رسیده است.

۵- مهمترین ثروت دولت اسلامی انفال است. با احتساب معادن به عنوان یکی از اجزاء انفال و قابلیت فروش آن، بدون شک رقم آن زیاد است. در ایران به علت حجم بالای درآمد مربوط به نفت و گاز، این بخش از درآمد را جداگانه قرار می‌دهند. درآمد نفت و گاز دولت با نوسانات شدید مواجه بوده، ولی همیشه سهم قابل اعتنائی از درآمدهای دولت را به خود اختصاص داده است. مقدار آن از سال ۶۵ تا ۷۵ از رقم ۴۳۴ میلیارد ریال (به علت سقوط شدید قیمت نفت و کاهش صادرات و مشکلات جنگ) به ۳۸۱۵۳ میلیارد ریال رسیده است. در این مدت درآمدهای مالیاتی کشور از ۱۰۲۴ میلیارد ریال به ۱۲۵۶۰ میلیارد ریال رسیده است. این دو رقم مهمترین مقادیر درآمد دولت است. البته

امروزه دولت با فروش اوراق مشارکت و پیش فروش حج و زیارت و فروش ارز، راههای تازه‌ای برای تأمین درآمد یافته است.

با توجه به مباحث قبلی مشکلات متعددی با فرض پذیرش نظریه مشهور در تعلق زکات بر موارد نه گانه و تأمین هزینه‌های دولت از راه انفال، زکات، خمس و امور معهود دیگر رخ می‌دهد.

الف- رقم درآمد نفت و گاز گرچه مهمترین درآمد دولت است، اما تکیه مالی دولت بر فروش آن، آثار منفی شدیدی دارد. امروزه برای همه روشن شده است که اگر درآمد دولت به نفت متکی باشد، با توجه به نوسانات شدید و برون‌زا بودن قیمت آن بودجه دولت دائماً لرزان خواهد بود و وضعیت درآمدی دولت بحرانی است. علاوه بر آن که وجود درآمدهای زیاد نفتی مصرف‌گرایی را در بخش دولتی رواج داده و از سرمایه‌های ملی برای تأمین هزینه‌های جاری استفاده خواهد شد. تجربه ۳۰ ساله ایران و برخی از دیگر کشورها صحت این امر را به اثبات رسانده است. امروزه تمامی کشورهایی که از راه فروش مواد اولیه در آمد دولت را تأمین می‌کنند، ضربه پذیری شدیدی را تحمل می‌کنند.

البته دولت می‌تواند، نفت را به صورت کالایی نهایی در آورده و به فروش برساند و یا آن که آن را به بخش خصوصی داخلی بفروشد و بخش خصوصی انواع کالاهای صادراتی تولید کنند و با تنوع کالاهای صادراتی حاصل از نفت، ضربه پذیری درآمدهای دولتی کاهش می‌یابد. این امر نیازمند گسترش فعالیت‌های تولیدی صادراتی و رقابت جدی با تولیدکنندگان خارجی است.

در هر صورت امروزه درآمد نفت و گاز و دیگر معادن مهم مانند مس، کاملاً در اختیار دولت ایران است و دولت در حد توان از آن بهره می‌برد، ولی این درآمدها قادر نیست هزینه‌های دولت را پوشش دهد و به ناچار دولت نیازمند اخذ مالیات است.

بنابراین درآمدهای ناشی از انفال در دو صورت جواز وضع مالیات و یا اکتفا به مالیات‌های شرعی خمس و زکات مشترک است و باید بین مالیات‌های ایران و مقدار خمس و زکات مقایسه صورت گیرد. هرگاه درآمد حاصل از خمس و زکات را با درآمدهای مالیاتی مقایسه کنیم به کمبود شدید مجموع درآمدهای خمس و زکات پی خواهیم برد، فقط دو سال را مقایسه می‌کنیم.

سال	زکات	خمس	مجموع زکات و خمس	مالیات
۷۰	۱۰۸ میلیارد ریال	۱۵۵۰ میلیارد ریال	۱۶۵۸ میلیارد ریال	۲۷۶۵ میلیارد ریال
۷۵	۳۱۶ میلیارد ریال	۳۹۲۸ میلیارد ریال	۵۲۴۴ میلیارد ریال	۱۲۵۶۰ میلیارد ریال

تفاوت زیاد مقدار مالیاتها و مجموع درآمد حاصله از زکات و خمس، نشان از کمبود آن نسبت به مجموع درآمدهای دولت دارد. اگر بنا باشد، وابستگی دولت را به نفت کاهش دهیم، نیاز به مالیات افزایش می‌یابد و با توجه به این که فرار مالیاتی بویژه نسبت به صاحبان درآمدهای کلان در بخش خدمات زیاد است. اگر نظام مالیاتی اصلاح گردد حجم درآمدهای مالیاتی افزایش خواهد یافت و بخشی از هزینه‌های دولت را پوشش می‌دهد. بنابراین تفاوت خمس و زکات با مالیات بیشتر می‌شود.

ب- نکته دیگری که باید لحاظ نمود، این است که نباید تصور که هر کشوری همچون ایران دارای منابع سرشار زیرزمینی است. باید ملاحظه کرد، کشوری که از منابع زیرزمینی برخوردار نیست و خواستار تأمین منابع مالی دولت از طریق خمس و زکات باشد، آیا می‌تواند بدون استفاده از مالیاتها فقط از طریق خمس پس انداز سالانه و زکات چند قلم خاص کالای کشاورزی درآمد خود را تأمین کند.

البته هر چه بخش خصوصی کشور فعالیت‌های اقتصادی گسترده‌تری داشته باشد و حجم شرکتهای دولتی کمتر باشد، مقدار خمس متعلق به سرمایه اضافه می‌شود، زیرا سرمایه‌گذاری بخش دولتی به خلاف بخش خصوصی متعلق خمس نیست. خمس بخش معدن در حال حاضر مبلغ اندکی است. ارزش افزوده بخش معدن غیر از نفت و گاز از سال ۶۵ تا ۷۵ از رقم ۱۰۲ میلیارد ریال به ۱۲۶۲ میلیارد ریال رسیده است و اگر به تمام آن خمس تعلق بگیرد (با عدم لحاظ هزینه تولید) مقدار آن از ۲۰ تا ۲۵۰ میلیارد ریال است. و این مقدار نمی‌تواند تفاوت مالیات و مجموع خمس و زکات را بپوشاند.

ج- دولت اسلامی می‌تواند بر واردات عوارض وضع کند، همان طور که در صدر اسلام بر واردات عشر قرار می‌دادند (رضایی و دیگران: ۹-۱۲۸ و ۶-۱۸۲) و این امر علاوه بر تأمین منابع مالی دولت، باعث حمایت از کالاهای داخلی می‌شود. ولی باید توجه کرد گسترش جهانی سازی و حاکمیت مقررات (WTO) و پیوستن تدریجی اکثر کشورهای جهان سهم عوارض را در بودجه دولت کاهش خواهد داد. البته امروزه دولتها از عوارض بر واردات استفاده می‌کنند و این رقم به فرض حاکمیت مالیات خمس و زکات تغییری

نخواهد داشت.

د- امروزه دولتها برای حمایت از بخش کشاورزی، تلاش زیادی مبذول می‌دارند. خرید کالاهای کشاورزی به صورت تضمینی، کمک یارانه‌ای برای خرید نهاده‌های تولید و توسعه روستاها و حمایت از تولیدات آنها، حذف انواع مالیات بر کشاورزان از انواع این کمک‌هاست. اگر قرار باشد، از بخش کشاورزی مالیات به صورت زکات دریافت شود به ناچار دولت باید بیش از آن را به روستائیان کمک کند. به علاوه نمی‌توان از گندم کاران زکات گرفت، ولی به باغداران مرکبات کمک یارانه‌ای نمود. هر چند هر دو باید خمس بدهند. در هر صورت بخش کشاورزی امروزه قادر به تأمین بودجه دولت نیست و در کشورهای پیشرفته نیز بخش کشاورزی مورد حمایت جدی دولت است.

ه- از نکات دیگر این است که خمس، مالیات بر پس انداز سالانه است. (با فرض تساوی مصرف افراد با مصرف در حد شأن آنها) نرخ پس انداز عامل اساسی برای ایجاد سرمایه گذاری است، چنانچه دولت تکیه اصلی خود را بر خمس قرار دهد، این امر ممکن است، نرخ پس انداز را متأثر سازد و علاوه بر آن که ممکن است، سطح مصرف را تغییر دهد (هر چند خمس مانند مالیات بر سود، اثری بر کارآیی نخواهد داشت) باعث کاهش سطح سرمایه گذاری شود. با توجه به نیاز کشور به افزایش سرمایه گذاری، اگر دولت بداند خمس اخذ شده قابلیت تبدیل به سرمایه گذاری مولد را دارد، به جهت حمایت از اشتغال به جای اخذ خمس به کسانی که سرمایه گذاری انجام دهند، معافیت مالیاتی خواهد داد. به بیان دیگر در شرایط کمبود تولید و گسترش بیکاری دولت ناچار است از سرمایه‌گذاری حمایت نماید و پس‌اندازهای تولیدی را از مالیات خمس معاف بدارد.

مجموعه امور فوق از موانع جدی تکیه بر خمس و زکات یا فروش انفال است و باید بر امور مالی دیگر مثل مالیات تکیه کرد.

ادله فقهی و تأمین هزینه‌های دولت

با رجوع به متون فقهی و مبنای دینی آن نظریه‌های مختلفی پیرامون جواز اخذ مالیات حکومتی استفاده می‌شود. در ادامه برخی از این نظریات را مطرح و اشاره‌ای به ادله فقهی آنها می‌نماییم.

۱- برطبق نظریه مشهور، تنها مالیات موظف شرعی مسلمانان، زکات و خمس

است. این دو در کنار دیگر منابع مالی عهده دار تأمین هزینه‌های عمومی دولت و غیر آن

هستند. زکات واجب بر موارد نه گانه وضع می‌شود. گرچه در دوران گذشته حجم بالای درآمدهای دامپروری و کشاورزی و رواج سکه‌های فلزی باعث زیادی زکات می‌شد و امروزه مقدار زکات شدیداً کاهش یافته است. اما به علت نصوص متعدد در حصر موارد زکات به نه مورد نمی‌توان موارد زکات را گسترش داد. بر اساس این نظریه در صورت وجود دولت اسلامی و نیاز به منابع مالی و کمبود زکات و خمس، وضع مالیات به صورت اضطراری و حکم ثانوی پذیرفته می‌شود (جواد آملی: ص ۲۵۹). اینان کاهش درآمدهای دولتی را امری موقت دانسته و نیاز به جعل مالیات را فقط برای تأمین کمبود مالی دولت در زمانهای محدود دانسته و امر سیاستگذاری مالی دولت که متفرع بر وجود مالیات با نرخ متغیر است را نادیده پنداشته‌اند. گرچه روایات حصر موارد زکات زیاد است، اما روایات متعددی دلالت دارد که مقدار زکات برای تأمین فقرا و نیازمندان کافی است و اگر کمبود داشت خداوند بیش از آن را واجب می‌کرد. (الحر العاملی: ۶/صص ۵-۳) آیا زکات در زمان حاضر، می‌تواند فقرای جامعه را تأمین کند؟ آیا زکات فقط برای تأمین نیازمندان است و دیگر مصارف زکات مثل «فی سبیل‌الله» سهمی از زکات ندارد؟ آیا خروج موضوعی حداقل ۵ مورد از ۹ مورد و عدم شرایط وجوب زکات در زمانهای طولانی برای ۵ مورد، دلیل بر صحیح نبودن نظر مشهور برای شرایط امروزی نیست. (المنتظری، ۱۰:۱۲۰۲ / صص ۱۲۷-۱۶۸)

۲- در نظریه دیگر ضمن قبول انحصار موارد وجوب در نه مورد، امکان اخذ زکات از اسکناس به جای زکات نقدین مطرح شده است. اینان با استفاده از الغاء خصوصیت از طلا و نقره، در مورد پول رایج هر زمان، زکات بر اسکناس را جایز می‌دانند. (مغنیه: ۲/ص ۷۶ و قاضی: صص ۸-۳۷۶).

اگر قائل به جایگزینی پول و تعلق زکات به اسکناس باشیم، مقدار زکات تغییر چندانی نمی‌کند، زیرا پول به فرض آن که در حکم نقدین باشد، باید شرایط آن را داشته باشد (نصاب و راکد بودن در طول سال) و امروزه مردم پول خود را در حسابهای قرض‌الحسنه و یا سرمایه‌گذاری بانک قرار می‌دهند. در حسابهای سرمایه‌گذاری بانک با وکالت از طرف مشتری پول را به جریان می‌اندازد و بخشی از سود آن را به مشتری می‌دهد. صاحبان حسابهای قرض‌الحسنه نیز با قرض دادن از پول خود استفاده می‌کنند.

بنابراین، غالباً پولهای مردم در طول یک سال راکد نمی‌ماند و مقدار پول راکد

بسیار اندک است. حتی اگر مردم اطلاع یابند که به پولهای راکد زکات تعلق می‌گیرد، آن را در حسابهای سرمایه گذاری قرار خواهند داد. بنابراین مقدار زکات نقدین نیز رقم قابل توجهی نیست، حتی اگر تعلق زکات به پول را تأیید کنیم، در صورت پذیرش این رای که تفاوت اندکی در بحث نقدین با نظریه مشهور دارد، همچنان مقدار زکات اندک است و به ناچار باید در شرایط کمبود منابع مالی مالیاتهای حکومتی وضع شود و این شرایط امری موقت نیست.

۳- نظر سوم، استفاده از اختیارات حاکم اسلامی در تغییر موارد مستحب به واجب است. با توجه به موارد عدیده زکات مستحب مانند مال التجارة و فوائد کسب محصولات کشاورزی غیر از غلات اربع و به علت کاهش شدید مقدار زکات واجب در دوران کنونی و گستردگی مصارف آن هرگاه حاکم اسلامی لازم دانست، بتواند، در دائره موارد مستحب زکات، آن را واجب کند تا هزینه‌های دولتی تأمین شود. زیرا امیر مومنان مانند جعل زکات بر اسب از ولایت شرعی در این موارد استفاده نموده و زکات موارد مستحب را الزامی کردند. بر این اساس، شرایط زکات موارد مستحب، باید لحاظ شود و تا حدی هزینه مصارف تأمین می‌شود. (المنتظری، ۱۴۱۱: ۲/ ص ۳۱)

۴- می‌توان احادیث متعدد زکات را که دلالت بر حصر موارد زکات دارد، با احادیثی که دلالت بر توان زکات نسبت به تأمین نیازمندان دارد و احادیثی که دلالت بر ثبوت زکات در غیر موارد نه گانه دارد، به گونه‌ای دیگر جمع نمود. به این صورت که اصل ثبوت زکات از قوانین اساسی اسلام و دیگر ادیان است. با توجه به تغییر شرایط زندگی و نوع درآمدهای مردم و جاودانگی احکام دین، اصل وجوب زکات در تمامی دورانها واجب الهی است، ولی موارد تعلق زکات بر حسب تغییر شرایط تغییر می‌یابد و حاکم اسلامی باید این موارد را معین کند. چنانکه در قرآن فقط وجوب زکات آمده، اما موارد زکات در کلام پیامبر ﷺ تعیین شده است. در زمان ایشان چون عمده ثروت و درآمدهای مردم از کشاورزی و دامداری و تجارت بود، زکات بر این اقلام تعلق گرفت و اکنون که وضعیت تغییر کرده و ثروت در بخش خدمات و صنعت رشد فراوان یافته است، تعیین موارد زکات بر عهده دولت اسلامی و حکام عدل است. (همان: صص ۲۱-۲۶)

چنانچه این رأی پذیرفته شود، زکات بر تمام مواردی که دولت مالیات بر آن را لازم بداند و در جهت تعدیل ثروت و تأمین نیازهای جامعه قابلیت داشته باشد، تعلق می‌گیرد و زکات توانایی کامل در جانشینی با مالیاتهای مرسوم را دارد و مالیاتهای حکومتی که

بر اساسی صحیح و عادلانه وضع می‌شود، پرداخت آن عبادت و مشروع، بلکه از واجبات بزرگ است. این نظریه می‌تواند مشکل امور مالی حکومتی را بر طرف سازد و هماهنگی میان پرداخت زکات و مالیات ایجاد کند. تمامی افراد جامعه به مالیاتهای متعدد موظف خواهند بود، پس انداز سالیانه متعلق خمس است و درآمد آنها مشمول زکات و مالیات است. البته این نظریه در مرحله اثبات دچار اشکال است و فتاوی بر آن استقرار نیافته است.

۵- نظریه دیگر این است، که خمس ارباح مکاسب نوعی زکات است و از ناحیه ائمه متأخر به علت تغییر منبع درآمد مردم و انحراف در مصرف زکات از ناحیه حکام جور جعل شده است. بنابراین، خمس ارباح مکاسب، کمبود زکات را جبران می‌کند. این احتمال مشکل کمبود مالیاتهای دولت اسلامی را حل نمی‌کند. زیرا اولاً، فقط توجیهی برای تغییر منابع درآمدی زکات است و به نوعی همان نظر مشهور را بر حصر موارد نه گانه زکات تأیید می‌کند. بر این اساس، مقدار خمس بر آوردی باید بدون خمس ارباح مکاسب محاسبه شود و آن را به مقدار زکات اضافه کرد. ثانیاً، مشکل تعطیل شدن ۵ مورد از موارد زکات را توجیه نمی‌کند و ثالثاً، تأمین فقرای سادات را نیز دچار مشکل می‌سازد چون دیگر منابع خمس همیشه وجود ندارد.

۶- نظر دیگر در حل مشکل بیت المال اسلامی در عصر حاضر تکیه بر انفاق است. با توجه به تاکید بسیار قرآن و سنت بر انفاق و موارد متعدد آن و تهدید کسانی که از انفاق مال اجتناب می‌کنند و استفاده وجوب انفاق (حکیمی، ۱۳۶۷: ۵/ص ۶) می‌توان گفت: بر تمامی مؤمنان انفاق «فی سبیل الله» واجب است. تأمین هزینه‌های جنگ و دفاعی از موارد اصلی فی سبیل الله است. بنابراین مردم در انجام و تولید مصالح عمومی مانند امور دفاعی، کمک رسانی به زلزله زدگان، رفع مشکلات زیر بنایی باید مشارکت نمایند و هر کس سهم خود را باید بپردازد. البته دولت می‌تواند سهم هر کس را مشخص کند، چنانکه پیامبر ﷺ در هنگام جنگها از مردم کمک می‌خواست. معمولاً مفسران انفاق واجب را پس از تشریح وجوب زکات و خمس، همان خمس و زکات دانسته و بقیه انواع انقافات را مستحب می‌دانند. ولی امروزه هزینه‌های دفاعی بسیاری وجود دارد که کوتاهی از آن خسارات زیادی به دنبال دارد. اگر جنگ صورت گیرد، بر همه لازم است، کمک کنند و مقداری که حکومت تشخیص می‌دهد، ادا نمایند چنانکه اگر دستور اعزام به جبهه را داد باید اطلاعات شود. حفظ توان نظامی امروزه نیازمند صرف مال است و انفاق مال در

اینجا معنا پیدا می‌کند. پس با درخواست مالیات حکومتی برای حفظ کشور، مردم باید آن را بپذیرند و دولت را یاری دهند.

۷- راه دیگر برای اثبات مشروعیت مالیاتهای حکومتی استفاده از مبنای ولایت فقیه است. با پذیرش ولایت فقیه و حاکمیت او جهت اداره کشور و لزوم مراعات مصلحت در تصمیمات بر مبنای بهره مندی ولایت فقیه از محدوده ولایت ائمه علیهم‌السلام و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در امور مربوط به اداره زندگی، هر گاه نظام مبتنی بر ولایت فقیه که از مسیر قانونی تأیید شده باشد مصلحت جامعه را در اخذ مالیات تشخیص دهد و برای تأمین هزینه‌های مختلف و رشد و تعالی جامعه گرفتن مالیات از همه اقشار و صرف آن در موارد لازم را مناسب ببیند، وضع مالیات از انواع قوانین حکومتی لازم الاجراء شده و مراعات آن بر همه افراد واجب می‌شود.

مرحوم امام خمینی بارها از اختیارات ولایت فقیه در تحقق امور مورد نیاز جامعه استفاده کرده و برای رفع ضرورت و حل مشکل مردم و رعایت مصالح عمومی اقدامات متعددی را انجام دادند.

با پذیرش این مبنا لازم نیست مصادیق در متون شریعت وجود داشته باشد، بلکه هر امری که مصلحت روز اقتضا کند، قابلیت استفاده از این مبنا را دارد. در راههای قبلی مثل استفاده از موارد مستحب زکات، انفاق و غیر آن تکیه بر بیان شارع در موارد جزئی بود، اما در این راه، امور مستحدثه که هیچ سابقه‌ای ندارد، بر اساس تشخیص مصلحت قابلیت اجرا پیدا می‌کند. در ضمن این مبنا، استفاده از قاعده اضطرار و اباحه محذورات متفاوت است، زیرا مبنای مصلحت، عمومی‌تر و شامل‌تر است، مگر آن که مصلحت را به گونه‌ای تعریف کنیم که عدم مراعات آن به اضطرار جامعه منجر شود و بر این اساس هر دو قاعده یکی می‌شود.

قانون اساسی ایران هم وضع مالیات را متکی بر قانون دانسته است. بنابراین، وضع آن با توجه به تأیید قانون توسط ولی فقیه مبنای شرعی دارد. مقررات متعدد و مختلف مربوط به اداره جامعه مثل مقررات نظام عبور و مرور، وضعیت ساخت و ساز، الزام به مراعات امور بهداشتی خاص و غیره نیز از همین نوع است. برای اثبات مبنای ولایت فقیه و دایره اختیارات آن، مباحث بسیاری باید مطرح شود که مقاله گنجایش آن را

ندارد. (ر.ک به: امام خمینی: ۲/صص ۴۶۰-۵۰۰ و ر.ک: المنتظر، ۱۴۰۸، ج ۱)

این معنا که فقیه حاکم می‌تواند در مواردی که حکم الزامی شرعی وجود ندارد حکم الزامی جعل کند، هر گاه امری از نظر شارع حرام نباشد (مستحب یا مباح و یا مکروه) قابلیت تعلق حکم فقیه را دارد. نظر منطقة الفراغ مبتنی بر این امر است، که امور شرعی به دو دسته ثابت و متغیر تقسیم می‌شود. موارد ثابت، در طول زمان تغییر نمی‌پذیرد، ولی برخی از امور از زمان صاحب شریعت برای شرایط خاص وضع شده مثل مقررات خاص مربوط به وضعیت آبیاری در مدینه و یا تعیین افراد برای مسؤولیتهای مختلف، این امور در طول زمان قابلیت تغییر را دارند و با تشخیص مسؤول شرعی جامعه حکم متناسب پیدا می‌کند. (الصدر: صص ۸-۷۲۱) اصل دین در قالب امور ثابت حفظ می‌شود و تغییر شرایط آن را از بین نمی‌برد و تغییرات نیز با تغییر قوانین متغیر پوشش داده می‌شود. وضع مالیات با تغییر شرایط مورد نیاز جامعه است و چون مضر به ثابتهای دین نیست، در محدوده اختیارات قانونی ولی شرعی قرار دارد. بنابراین با تصویب مالیات باید از آن تبعیت کرد.

۹- جامعه اسلامی علاوه بر برخورداری از ولایت شرعی مسؤولان اجرایی آن از مقبولیت مردمی نیز برخوردارند. در نظام مردم سالاری دینی ضوابط و شرایط دینی در انتخاب افراد و قوانین، مراعات می‌شود و مجریان امور منتخب مردم نیز هستند. هر گاه مردم افرادی را جهت اداره کشور برگزینند و آنان را در تشخیص مصالح و مفساد اجتماع وکیل نمایند با تشخیص مصلحت مردم توسط نمایندگان و مجریان منتخب آنان مردم متعهد به انجام آن می‌باشند. در واقع مردم در هنگام انتخاب نمایندگان پذیرفته‌اند که قوانین وضع شده از سوی آنان را پذیرا باشند. بنابراین قانون مالیات که مورد تأیید مجلس منتخب مردم است تعهدآور است.

۱۰- امروزه مدار هزینه‌های دولت از اموری که در صدر اسلام توسط دولت اسلامی تحقق می‌یافت وسیع‌تر می‌باشد. از مباحث قبلی مدار وظایف دولت اسلامی در زمان پیامبر معلوم شد، اما امروزه دخالت دولت در امور متعدد گسترش یافته و کالاهای عمومی زیادی شکل گرفته است. پرداخت یارانه برخی کالاها مانند انرژی و نان، ایجاد مراکز عمومی مربوط به بهداشت شهری و بیمارستانی، احداث سد و مهارآبها، نیروگاههای برق، مراکز اطلاع رسانی رادیویی و تلویزیونی و مخابراتی، گسترش آموزشی دولتی در مقاطع مختلف تا سطح دانشگاه، هزینه‌های مربوط به محیط زیست و گسترش تحقیقات برخی از این امور هستند. هر گاه مردم یک کشور طالب چنین

کالاهایی هستند تا جامعه در رفاه و آسایش قرار گیرد باید در حد توان در تأمین آن کمک نمایند و مالیات به نوعی هزینهٔ چنین کالاهایی است. هر یک از راههای گفته شده به تناسب می‌تواند، مشروعیت مالیات را در حکومت دینی توجیه کند.

در پایان دو نکته مهم را متذکر می‌شویم

الف - یکی از نکات مورد توجه در لزوم بکارگیری مالیاتهای حکومتی با نرخ متغیر تحقق تعادل اقتصادی از طریق سیاستهای مالی فعال است. خمس و زکات دو نوع مالیاتی هستند که نرخ آنها ثابت است و استفاده از نرخ ثابت مالیات برای تأمین مالی اهداف کلان اقتصادی در نظامهای سنتی که پولهای کاغذی تحقق نیافته بود، کافی بوده است. ولی با ظاهر شدن عدم تعادلهایی که ناشی از فزونی تولید بر مصرف و یا عکس آن است و با توجه به گسترش نقش فعال پول کاغذی و ظهور تورم ساختاری، دخالت مستقیم و مستمر دولت در برنامه ریزیهای اقتصادی برای ایجاد تعادل در رشد و توسعه اقتصادی پدیده‌ای است که امروزه نزد اکثر اقتصاددانان یک ضرورت مسلم است. بنابراین، مالیات برداشتی حساب شده و تحت برنامه از درآمد و ثروت ملی برای تحقق سیاستهای متعادل کننده است. (درخشان: صص ۷-۲۶)

با توجه به آنچه گذشت باید تحقیق شود که آیا با فرض حاکمیت نظام پولی مبتنی بر شرع (و پرهیز از سفته بازیهای غیر شرعی و تأکید بر جریان پول در مسیر تولید) نیاز به وجود مالیات متغیر برای سیاستگذاری لازم است یا خیر؟ در صورت نیاز، لازم است، مالیاتی در اختیار حکومت قرار گیرد که نرخ آن قابل تغییر باشد. بنابراین، نمی‌توان از برخی راههای قبلی که نرخ ثابت دارند، استفاده کرد. (مانند استفاده از موارد زکات مستحب)

ب - در شرایط کنونی و با فرض تعلق زکات بر نه کالای خاص، عمده‌ترین درآمد دولت غیر از فروش معادن و واگذاری زمینهای تحت ملکیت یا تصرف دولت، خمس است و بر طبق برآوردهای انجام شده، مقدار زکات تقریبی کمتر از ۱۰٪ خمس است و مقدار خمس نیز تفاوت آشکاری با مالیات اخذ شده دارد، اگر نظام خمس کاملاً پیاده شود نیاز دولت به وضع مالیات کاهش می‌یابد ولی بر طرف نمی‌شود.

بنابراین در وضع کنونی دولت همچنان نیازمند اخذ مالیات است و به هیچ وجه نمی‌توان بیان کرد که کسانی که خمس می‌دهند، نباید مالیات دهند، زیرا نیاز دولت بر

طرف نشده است. ولی می‌توان گفت کسانی که خمس یا زکات می‌دهند، خمس و زکات بخشی از مالیات سالیانه آنها است و باید مقدار خمس به عنوان مالیات تلقی شود، نه آن که این درآمد به عنوان هزینه محاسبه شود. این امر باعث می‌شود، در نظام اسلامی کسانی که اهل خمس و زکات هستند، مالیات کمتری دهند و کسانی که خمس و زکات نمی‌دهند، مالیات بیشتری پرداخت نمایند و از آن جا که مصرف خمس و زکات همانند مصرف مالیاتها موارد عمومی است، خللی رخ نمی‌دهد. البته راهکار اجرایی آن باید مشخص شود و ارتباط کامل بین نهادهای اخذ خمس و زکات با اداره دارایی برقرار شود.



منابع

- ۱- ابوعبید، القاسم بن سلام، کتاب الاموال، بیروت، دار الکتب العلمیة، الطبعة الاولى، ۱۴۰۶ ق.
- ۲- تمدن جهرمی، محمد حسین، نگاهی به چالشهای اقتصادی دولت، فصلنامه فرهنگ و اندیشه، ۱۳۸۰، شماره دوم.
- ۳- جعفری صمیمی، احمد، اقتصاد بخش عمومی، تهران، سمت، ۱۳۷۱ ش.
- ۴- جوادی آملی، عبدالله، مالیاتهای حکومتی از دیدگاه فقه، نظام مالی اسلام، (مجموعه مقالات) به اهتمام احمد علی یوسفی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
- ۵- الحر العاملی، الشیخ محمدبن الحسن، وسائل الشیعة، ج ۶، تصحیح عبدالرحیم الریانی الشیرازی، مکتبة الاسلامیة، ۱۴۰۳ ق.
- ۶- حسینی، سیدرضا، بیت المال، دانشنامه امام علی، ج ۷، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
- ۷- حکیمی، محمدرضا، علی، محمد، الحیاة، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، الطبعة الاولى، ۱۳۶۸ ش.
- ۸- داگر، یدالله، مروری بر ادبیات نقش و جایگاه دولت در اقتصاد، فصلنامه فرهنگ و اندیشه، ۱۳۸۰، شماره دوم.
- ۹- درخشان، مسعود، ملاحظاتی در مفاهیم و نقش مالیات در اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف، پژوهشها و سیاستهای اقتصادی، ۱۳۷۴، شماره ۱ و ۲.
- ۱۰- رضایی، مجید، سعید فراهانی، علی معصومی نیا، نظام مالی دولتهای مسلمان از ظهور اسلام تا قرن چهارم هجری، نظام مالی اسلام (مجموعه مقالات) به اهتمام احمد علی یوسفی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
- ۱۱- رنائی، محسن، ماهیت و ساختار دولت در ایران، نقش دولت در اقتصاد (مجموعه مقالات) به اهتمام سعید فراهانی فرد، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۱ ش.
- ۱۲- صادقی تهرانی، علی، گامی در تحلیل اقتصادی و ویژگیهای رفتاری در نظام اقتصاد شهری تمدن اسلامی، مجموعه مقالات فارسی اولین مجمع بررسیهای اقتصاد اسلامی، ج ۳، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰ ش.
- ۱۳- صدر، سیدکاظم، اقتصاد صدر اسلام، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴ ش.
- ۱۴- الصدر، سید محمدباقر، اقتصادنا، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۲ ق.
- ۱۵- عظیمی، حسین، دولت در علم اقتصاد و توسعه اقتصادی، فصلنامه فرهنگ و اندیشه، ۱۳۸۰، شماره دوم.

- ۱۶- قاننى، محمد، ولايت حاکمان بر وضع مالياتها، نظام مالى اسلام (مجموعه مقالات) به اهتمام احمد على يوسفى، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و انديشه اسلامى، ۱۳۷۹ ش.
- ۱۷- كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى، ج ۵، تصحيح على اكبر الغفارى، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۶۲ ش.
- ۱۸- كهف، منذر، ايرادات الميزانية العامة للدولة الاسلاميه، «السياسة الاقتصادية فى إطار النظام الاسلامى» جده، البنك الاسلامى للتنمية، الطبعة الثانية، ۱۴۲۲ ق.
- ۱۹- كياه الحسينى، سيد ضياءالدين و اسماعيل ملكش، نقش زكات در امحاء فقر غذائى كشور (مطالعه موردى ۷۹-۱۳۷۰) قم، دانشگاه مفيد، ۱۳۸۱ ش.
- ۲۰- كياه الحسينى، سيدضياءالدين و على باقرى، تأمين اجتماعى در ايران با تكيه بر منابع مالى اسلامى، قم، دانشگاه مفيد، ۱۳۸۰ ش.
- ۲۱- گيلك حكيم آبادى، محمدتقى، امکان جايگزينى ماليات بر در آمد با خمس و تبیین آثار آن بر برخى متغيرهاى اقتصاد كلان، پایان نامه دكتورى دانشگاه تهران، دانشكده اقتصاد، ۱۳۷۹ ش.
- ۲۲- _____، دولت و سياستهاى اقتصادى، دانشنامه امام على عليه السلام، ج ۷، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و انديشه اسلامى، ۱۳۸۰ ش.
- ۲۳- المحمودى، محمداقبر، نهج السعاده فى مستدرک نهج البلاغه، النجف الاشرف، المطبعة النعمان، الطبعة الاولى، ۱۳۷۸ ق.
- ۲۴- مغنيه، محمد جواد، فقه الامام جعفر الصادق عليه السلام، بيروت، دارالتعارف.
- ۲۵- المنتظرى، حسين على، كتاب الزكاة، ج ۱، قم، مركز النشر، مكتب الاعلام الاسلامى، الطبعة الاولى، ۱۴۰۳ ق.
- ۲۶- _____، دراسات فى ولاية الفقيه و فقه الدولة الاسلاميه، ج ۱، قم، المركز العالمى للدراسات الاسلاميه ۱۴۰۸ و ج ۲ و ۳، قم، دارالفكر، ۱۴۱۱ ق.
- ۲۷- الموسوى الخمينى، سيد روح... (امام)، كتاب البيع، قم، مؤسسه اسماعيليان، ۱۴۱۰ ق.